

ایران در هجوم دیمنتورها!

سخنرانی استاد وحید جلیلی در جمع نشریات برگزیده اولین لیگ نشریات دانشجویی دگه

بسم الله الرحمن الرحيم

در فیلم هری پاتر کاراکتری هست به نام دیمنتور (Dimentor) - که در فارسی دیوانه‌ساز یا افسرده‌ساز ترجمه‌اش کرده‌اند. دیمنتورها موجوداتی هستند که وارد محیط می‌شوند و نشاط آن را از بین می‌برند و مردم را تبدیل به آدم‌های افسرده می‌کنند.

ایران امروز در هجوم دیمنتورها است. یعنی از فلان گروه تلگرامی خانوادگی بگیر تا سینما و روزنامه‌ها و رسانه ملی و... پر است از دیمنتورهایی که دست‌اندرکار تزریق یأس، ناامیدی و بدبینی در جامعه هستند. سلطه دیمنتورها به قدری سنگین شده است که حتی در بعضی مجامع حزب‌اللهی هم آدم جرأت ندارد بگوید اوضاع خیلی هم بد نیست؛ سریع واکنش نشان می‌دهند! «محافظه‌کار شدی؟! سرسپرده رژیم شدی?!»

باید ایران، خودش، خودش را شکست بدهد!

تبیین درست وضعیت ایران ۱۳۹۶، نه با تحلیل سیاسی به دست می‌آید نه تاریخی، نه جامعه‌شناختی.... بهترین روش؛ تحلیل روانشناختی است که می‌تواند شرایط را تبیین کند. ما در ایران ۹۶ دچار یک وضعیت روانشناختی عجیب و غریب هستیم. ایرانی که در آستانه یک جهش بزرگ هست را چنان تیره نشان می‌دهیم که همه اراده‌ها ناامید شوند!

ایران امروز جامعه‌ای با ۸۰ میلیون جمعیت، ۴ میلیون دانشجو، میلیون‌ها فارغ‌التحصیل، صدها هزار مهندس (تعداد مهندس‌های ایران با جامعه ۳۰۰ میلیونی آمریکا برابر است!)، گسترش زیرساخت‌های انرژی و حمل و نقل در تمام کشور؛ جاده‌های سیستان بلوچستان مرتب‌تر از بسیاری از جاده‌های اروپا، از لحاظ دفاعی و نظامی قدرت پیروز در سوریه، لبنان، عراق و یمن با قدرت بازدارندگی کم نظیر و امنیت منحصربه‌فرد و... با پیشرفت‌های مثال‌زدنی و غبطه‌برانگیز برای اکثر کشورهای جهان در حوزه هوافضا و پرتاب ماهواره، انرژی هسته‌ای، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی و سلول‌های بنیادی و ...

حالا که در عرصه عینی و میدانی نمی‌شود ایران را شکست داد باید کاری کنیم خودشان، خودشان را شکست بدهند! تنها کشوری که قدرت شکست ایران را دارد خودش است! چون

تجربه اثبات کرده است ایرانی‌ها هر کاری را اراده کردند توانستند انجام بدهند و هر کاری که غرب کرده است که جلوی «تحقق» اراده ایرانی‌ها را بگیرد نتوانسته و در نهایت ایران موفق شده است. پس باید کاری کرد که اراده ما را بگیرند. باید دی‌منتورها را فعال کنند! الان سینما و رسانه ایران پر است از این دی‌منتورها؛ به فضای مجازی هم که به شکل بسیار گسترده هجوم کرده اند.

راهبرد تهدیدسازی از هر فرصتی!

در همین موضوع برداشته شدن نرده‌های نماز جمعه در تبریز یک عده‌ای می‌گویند: «این ذوق زدن دارد؟ این کف خواسته‌های ما هم نیست! اگر فردا روز، همین آدم کار بدی کرد چطور می‌خواهیم نقدش کنیم؟» خیلی جالب است! از این به بعد باید در هر فرصتی یک تهدید ببینیم!

امام حسن عسگری (ع) می‌فرمایند ما من بلیه الآ و لله فیها نعمه تحیط بها : «هیچ تهدیدی نیست مگر اینکه فرصتی بزرگتر در آن است». بعضی بچه حزب‌اللهی‌ها برعکس شده‌اند! اعتقاد دارند که «هیچ چیز خوبی وجود ندارد. حتی اگر اتفاق خوبی می‌افتد، منتظر باشیم پس از آن خبر بد بزرگتری برسد!»

متأسفانه ما در تاریخ اسلام و تشیع، سابقه تبدیل بهترین شرایط به بدترین را داریم. شما فکر کنید اگر مالک اشتر، شمشیر آخر را زده بود، چه می‌شد؟ تصورش هم انسان را به شوق و هیجان می‌آورد. اما چه شد؟ جنگ روانی را باختیم. جنگ نرم را باختیم. چرا؟ به خاطر همین بچه سوسول‌های حزب‌اللهی. یا در خود ماجرای کربلا. سلیمان بن سرد خزاعی که بعد از واقعه کربلا چند هزار نفر را برای خونخواهی بسیج کرد ولی در کربلا، امام معصوم با هفتاد و دو نفر تنها ماند در حالی که پتانسیل شیعه صدها برابر آن بود! کسانی که دغدغه‌مند بودند و آرمان هم داشتند اما بصیرت نداشتند.

داریم و نداریم

تازگیها که بصیرت و واژه‌هایی از این دست را هم؛ خودی‌ها، مسخره می‌کنند! چون فلان سردار یا حجه‌الاسلام یا مسئول؛ این واژه را بی‌جا و شعاری استفاده کرده، ما هم این مفهوم عمیق معارفی خودمان را به بازی بگیریم؟ اگر معرفت و علم در برابر جهل است، بصیرت در برابر غفلت است. بصیرت یعنی مدیریت توجه. کار متفکران؛ تولید معرفت و رفع جهل است ولی زحماتشان

در صورتی به ثمر می‌رسد که محتوای معرفتی به دست آمده پامال غفلت نشود. کسانی باید باشند که محتوا را، معرفت را، آگاهی را درست یعنی به هنگام و مؤثر؛ به کسانی که لازم است برسانند. مگر ما خواهان محرومیت‌زدایی نیستیم؟ مگر از محرومیت‌ها به خشم نمی‌آییم؟ بزرگترین محرومیت‌ها، غفلت از داشته‌ها و فرصت‌ها و ظرفیت‌هاست. یعنی داشته باشی و نداشته باشی!

امروز در جنگ نرم با چنین کلاهبرداری عظیمی مواجهیم. اگر مردم از اصل داشته‌هایشان یا اهمیت و قیمت داشته‌هایشان غافل شدند به راحتی می‌شود آن داشته‌ها را غارت کرد به شکلی که اگر روزی بیدار شدند هم دیگر فایده نداشته باشد. ممکن است این داشته انرژی هسته‌ای باشد یا ارزشهای خانوادگی باشد یا مردمی بودن کارگزاران باشد یا عزت و استقلال باشد یا اصل نظام باشد. رسانه از مهم‌ترین ابزارهای هدایت توجه مردم است. اگر رسانه درست عمل نکند ممکن است به محرومیت از داشته‌ها دچار بشویم که شده‌ایم. خودمان خودمان را تحریم می‌کنیم. خودمان کشور را از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بالفعلش محروم می‌کنیم.

کشور، امروز در هجوم دیمنتورهاست. روان‌شناس‌ها به جان فرد و خانواده افتاده‌اند و دائم به دنبال زیاد کردن مشتریان خودشان هستند. جامعه‌شناس‌ها جامعه را سیاه نشان می‌دهند. سیاستمدارها حکومت را فاسد نشان می‌دهند، رسانه‌ها سیاه‌نمایی را بازتولید می‌کنند. نتیجه چه می‌شود؟ این که ما از خودمان چیزی نداریم و باید تسلیم غرب باشیم!

دستور قرآن برای حذف حزن و خوف

دشمن از نرم‌افزار ما می‌ترسد؛ از امید ما می‌ترسد. از نشاط ما می‌ترسد. ما معمولاً این آیه قرآن را در مجالس عزا می‌شنویم:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».

در این آیه خداوند نهی می‌کند که مبادا کوچکترین تردیدی در زنده بودن شهدا کنید! آیه بعدی چیست؟ می‌فرماید:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».

شهدا که زنده هم هستند، شادند! یعنی اولین نعمت و رزقی که شهدا از آن برخوردارند شادی است. در ادامه می‌فرماید:

«وَيَسْتَبْشِرُونَ...» یعنی دعوت می‌کنند به لبخند. چه کسانی را؟ کسانی که در خط آنها هستند. در این آیه از دو چیز نهی شده است:

أَلَّا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ ترس و غم. خط شهادت یعنی همین! حذف خوف و حزن! خط نشاط. خط مقابله با ناامیدکننده‌ها و افسرده‌سازها و دیمنتورها و اکنون ما در چنین جنگی هستیم.

پیام بشارت شهدا این خبرهای خوبی است که به برکت فداکاری شهدا در جامعه وجود دارد. در علم؛ در هسته‌ای و فضایی و نانو و سلول‌های بنیادی. در خواباندن، مچ آمریکا در عراق و سوریه و لبنان و یمن، در مردم‌سالاری دینی که تاکنون حدود ۴۰ انتخابات با مشارکت بسیار بالاتر از اکثر کشورهای غربی در کشور برگزار شده است. در سیل کمک‌های مردمی از سوی اقشار گوناگون به سمت مناطق زلزله‌زده. در حوزه‌های گوناگون سیاسی، علمی، اجتماعی، هنری، فرهنگی و... رویش‌های شوق‌انگیز داریم.

چه کار باید کرد؟

قرآن می‌فرماید «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ». کافی است نعمت‌های خداوند را بازگو کنیم. در حالی که ما دقیقاً برعکس عمل می‌کنیم. از صبح تا شب در تلگرام اخبار بد فورواردها می‌کنیم! خداوند در قرآن می‌فرماید «وَأَذَلْنَا مَرْثُوا بِاللَّغْوِ مَرْثُوا كِرَامًا». یعنی اگر حرف لغو زده شد، از آن بگذر. ما حرف‌های خوب را سانسور می‌کنیم و خبرهای بد را به اشتراک می‌گذاریم. برگردیم به ادبیات دینی و قرآنی! امیرالمومنین علی (ع) در خطبه همام در توصیف اوصاف متقین می‌فرماید: «وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلِي الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ» یعنی گوش به زنگ حرف تازه و مفید هستند. این ویژگی انسان متقی است. یا در جای دیگری می‌فرماید: «يُمْسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ». یعنی روز را شب می‌کند در حالی که نگرانی‌اش شکر است که آیا به اندازه کافی شکر می‌کنم یا خیر؟ ما مشکل‌مان این است که حزب‌اللهی و سلطنت‌طلب با هم مسابقه گذاشته‌اند که چه کسی می‌تواند بیشتر مردم را ناامید کند؟

چه باید کرد؟ در خاطر هست در یک شهر دورافتاده، دو گروه با هم به مشکل خورده و درگیر شده بودند. بی بی سی این مسئله را پوشش می‌داد. چطور آن‌ها می‌گردند یک زخمی را پیدا کنند و سریع آن را برجسته کنند. ماهم برعکسشان عمل کنیم. اتفاقات خوبی که رخ می‌دهد را پوشش بدهیم.

دیمنتورها ما را از کار انداخته‌اند

من مدتی هست مثال این آقای سید علیرضا عبادی را می‌زنم. عبادی کیست؟ هیچکدام از شما اسمش را هم نشنیده‌اید و هیچ از او نمی‌دانید. ایشان امام جمعه بیرجند و نماینده ولی فقیه در استان خراسان جنوبی است. سال ۸۰ از رئیس اداری مجلس پرسیدم در مجلس کدام نمایندگان ساده‌زیست هستند؟ چند نفر را اسم برد گفت آقای شیبانی خیلی خوبه. فکر کنم آقای دعایی را هم نام برد بعد گفت یک نفر هم در مجلس داریم که خیلی افراطی است چایی مجلس را هم نمیخورد."

این بنده خدا از این افرادی است که باید برایش وصف‌های تذکره‌الاولیایی نوشت. چنین زهدی دارد. یک نفر هم اسمش را هم نشنیده است! صدها خاطره در موردش وجود دارد. لااقل سی‌سال در نظام مسئولیت داشته است از مجلس گرفته تا ارتش. در همین تلگرام که ما دغدغه داریم "من باب نهی از منکر باید حضور داشت!" روزانه صدها و سالانه ده‌ها هزار خبر منفی را خود ما مخابره می‌کنیم؛ یک پست راجع به ایشان وجود ندارد! مشکل چیست؟ ابزارش را نداریم؟ محتوا را نداریم؟ آدمش را نداریم؟ تکنیک را بلد نیستیم؟ همه را داریم ولی مشکل این است که دیمنتورها ما را از کار انداخته‌اند، مبادا به یک مسئله خوب فکر کنیم! مبادا یک اتفاق خوب را به اشتراک بگذاریم!

اخیرا در یک پژوهشی در مجموعه خود ما عده‌ای از بچه‌ها با حدود چهل نفر از ائمه جمعه رفتند و در محیط کار و زندگی اینها صحبت کردند و پژوهش کردند. یکی از بچه‌هایی که مشغول این کار بود اخیرا می‌گفت «چه آدم‌هایی داریم! محبوب، کارآمد، ساده‌زیست، مردمی». ما حدود بیست شبکه تلویزیونی داریم هیچ خبری از این افراد نیست! اسمشان هم نمی‌آید. صبح تا شب تلویزیون را بدهیم به سلبریتی‌ها و... مشکل ما این عدم پوشش اتفاقات مثبت است.

امروز باید قهرمانان به جامعه معرفی بشوند، باید نقاط قوت نظام در رسانه‌ها طرح بشوند. می‌خواهد فرماندار قصرقند سیستان بلوچستان باشد یا فلان امام جمعه در آذربایجان یا یک کارمند در نارمک تهران یا یک شرکت دانش‌بنیان موفق یا... این موارد نامحدود و بی‌شمار است.

فساد در مبارزه با فساد

تا می‌گویند اقتصاد؛ همه یاد فسادها می‌افتند! در همین اقتصاد تعداد زیادی آدم بی ادعا دارند شبانه روز تلاش می‌کنند. سالم، مجاهد، پرکار، باهمت، بی‌ادعا. بعد ما همه‌ی این‌ها را بایکوت می‌کنیم! این خودش فساد است. والله این هم فساد است. این هم یک نوع دزدیدن است، مگر دزد فقط خاوری است؟ که چند میلیارد تومان را برداشته است و رفته است؟ این دزدی سرمایه‌های معنوی کشور است، اگر شما سرمایه‌های مادی یک کشوری را دزدیدی دزدتری یا اگر سرمایه‌های معنوی‌اش را به سرقت بردی؟

رفیق خود ما رفته فیلم ساخته راجع به صندوق ذخیره ارزی (صندوق توسعه ملی)، آمده می‌گوید آقای جلیلی وضعیت خیلی خراب است، این حرف‌ها را چطور به مردم بگوییم؟ به او گفتم که برو آن آدم‌هایی که این پرونده را تشکیل داده‌اند پیدا کن و مصاحبه کن، می‌گوید من سراغ آن‌ها که دیگر نرفتم! خوب تو از کجا این پرونده را مطلع شدی؟ غیر از این بوده است که قوه قضاییه این را اعلام کرده؟ غیر از این بوده که یک بازپرس شجاع این پرونده را تشکیل داده؟ خیلی شجاعت می‌خواهد، قطعاً آدمی که ۱۰.۰۰۰ میلیارد تومان را دزدیده هم آنقدر قدرت دارد و هم آنقدر وقاحت دارد که بتواند به راحتی آدم بکشد. خیلی جیگر می‌خواهد مقابل چنین دزدی ایستادن. پس مشخص است که در قوه قضاییه ما آدم‌های این شکلی هم پیدا می‌شوند؛ چرا این را نمی‌بینی؟ تو بیا مبارزه با فساد را روایت کن، تو برو ببین آن بازپرس بیچاره چقدر فشار بهش آمده، چند تا تلفن بهش شده، چقدر خانواده‌اش تحت فشار قرار گرفتند، چقدر تطمیع شده و تهدید شده! قوه قضاییه همه‌اش فاسد است؟

ژانر مبارزه با فساد در مقابل ژانر فساد

ما باید ژانر مبارزه با فساد را راه بیندازیم و روایت کنیم، نه ژانر فساد را. ما که بی‌بی‌سی نیستیم، و تا دلتان بخواهد این ژانر می‌تواند سوژه داشته باشد. نمی‌گوییم مشکلات را روایت نکنیم؛ بنده که این جا نشسته‌ام و دارم این حرف‌ها را به شما می‌زنم آخرین کارم همین مستند زمستان یورت است که یک ماه پیش اکران شد کار قبلی هم مستند داد بوده راجع به شلاق خوردن کارگران در جمهوری اسلامی، ما گفتیم چیزی را بایکوت کنید؟ سانسور کنید؟ نگوید؟ تلخ‌ترین صحنه‌ها را هم آمدیم فاش گفتیم.

من نمی‌گویم کار شاق عجیب و غریبی بکنید ، مثلا در دانشگاه شریف یک آدم حسابی پیدا نمی‌شود؟ مثلا من اسم دکتر ناییبی را شنیدم، آقا چند تا مثل ناییبی داریم در آن دانشگاه؟ چرا من این‌ها را نمی‌شناسم؟ بنده‌ای که ۲۰ سال است دارم کار رسانه‌ای می‌کنم. می‌گویید مصاحبه نمی‌کند؟ اصلا لازم نیست بیاید با نشریه شما صحبت کند! همین اطلاعاتی که دارید را جمع کنید ، همین چیزهایی که می‌دانیم را نشر کنیم، زکات‌العلم نشره ، یک عکس‌نوشت درست در مورد دکتر ناییبی بزن. چطور من که هیچ اطلاعی از شریف ندارم، خانم مریم میرزاخانی را می‌شناسم، ولی آدم‌های زیادی که در همان دانشگاه شریف دارند برای کشور کار می‌کنند را نمی‌شناسم؟

تنگه احد اینجاست

یک سؤال دیگر: خدا رحمت کند مرحوم خانم میرزاخانی را، ولی جامعه ما چه توده‌ها و چه نخبگان؛ چقدر با مجید شهریاری آشنایند و چقدر با مریم میرزاخانی. هر دو نابغه‌اند و در رده یک علمی جهان. یکی همه تحصیلات عالی‌اش را در غرب کرده، یکی در ایران. یکی به مرگ طبیعی در آمریکا مرحوم شده، دیگری روز روشن در خیابانهای تهران جانش را بر سر پیشرفت ایران گذاشته و توسط عوامل آمریکا ترور شده. هر دو هم محترم، هر دو هم عزیز، فقدان هر دو هم مایه دریغ و تأسف. هفت سال از شهادت شهریاری می‌گذرد. ببینید کدام یک در فضای رسانه‌ای ما به عنوان الگو مطرح شده‌اند؟ چطور یک نفر می‌رود خارج همه باید مطلع بشوند ولی هزاران نفری که نرفتند خارج هیچ‌کسی نباید مطلع بشود؟ این یعنی اثر رسانه.

رسانه‌ای درست کنیم که این هزاران نفر را نشان بدهد! در همین دانشگاه شریف و مراکز مشابه، بچرخید ببینید چقدر آدم وجود دارد برای معرفی کردن به جامعه. این کار عین جهاد است. تنگه احد الان اینجاست، اینکه ما داشته‌هایمان رسانه ندارند، داشته‌هایمان در حوزه نیروی انسانی و نخبگانی، در حوزه زیرساخت، در حوزه تولیدات فکری و هنری و اندیشه‌ای و ... تیتتر نمی‌شوند، ضریب نمی‌گیرند.

یک مقداری هم شما باید مبتکرانه‌تر کار کنید، چند سال پیش، به دوستان روزنامه همشهری گفتم ، ما ده بیست تا تا روزنامه در این کشور داریم راجع به فوتبال، برنامه‌های رادیویی،

تلویزیونی و مجازی... را هم بگذار کنار، گفتم شما این همه امکانات در هم شهری دارید یک روزنامه داشته باشید که علم را روایت کند در این کشور. مگر کم پژوهشکده، پروژه‌های تحقیقاتی مهم، دانشگاه، فناوری‌های پیشرفته... داریم؟ ژورنالیزم علم چرا در ایران این قدر ضعیف است؟ در حالی که اگر فنی و تکنیکی هم نگاه کنیم؛ علم در ایران ارزش خبری‌اش به مراتب از علم در آمریکا بیشتر است، چرا؟ به خاطر اینکه آن پژوهشگری که در آمریکا دارد تلاش می‌کند که به فلان دارو دسترسی پیدا کند ارزش خبری درگیری ندارد ولی در ایران ارزش خبری درگیری دارد؛ چرا؟ چون یک کار خیلی معمولی افتاده است در درگیری با آمریکا و کل کل تحریم و ... این ارزش خبری دارد. شما در محیط دانشجویی هستید و به این اخبار دسترسی دارید چرا ما یک شبکه علمی نباید داشته باشیم که بیاید جریان علمی کشور را رصد کند و تولید خبر کند و به مردم منتقل کند؟

امر به معروف، مظلوم‌تر از نهی منکر!

اتفاقی که باید در فضای رسانه‌ای بیفتد این است که خط باید شکسته شود. باید یک عده جرأت کنند و حرف‌های خوب را بزنند. امر به معروف به مراتب در جامعه ما از نهی از منکر مهجورتر و مظلوم‌تر است. در دانشگاه‌ها کلی اتفاق‌های خوب می‌افتد، کلی اساتید خوب هم هستند؛ خوب این‌ها را منتشر کنید! این‌ها را تیر کنید! این‌ها را ضریب بدهید! می‌گویند این‌ها کم هستند! خوب حتی اگر این فرض غلط را هم بپذیریم اگر کم هستند پس قیمت‌شان بیشتر است و باید بیشتر قدرشان را دانست. بیشتر باید ضریب بگیرند. اگر عبادی‌ها خیلی کم هستند پس باید بیشتر قدرشان را بدانیم.

شکر، الگوی پیشرفت

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» هر جا دیدید مسیر پیشرفت متوقف شده است بدانید شکر به مشکل خورده است. چون خدا که بخیل نیست و دروغ هم نمی‌گوید. لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ. الگوی پیشرفت چیست؟ الگوی پیشرفت؛ شکر است. به آن میزانی که قدر داشته‌هایمان را بدانیم بیشتر پیشرفت خواهیم کرد.

پایان/.

نشانی کانال استاد وحید جلیلی در شبکه‌های اجتماعی: jalili_Vahid@